نگاه | **فاطمه موسوی**؛ تاریخ‌پژوه

دبیر کل سابق حزب دمکرات کردستان
همگام نزدیک صدام

## عبدالرحمن قاسملو که بود؟

عبدالرحمن قاسملو در اول دی ماه ۱۳۰۹، در یکی از روستاهای ارومیه به نام «دره قاسملو» به دنیا آمد. پدرش وثوق، یک ملاک بود و وضع مالی خوبی داشت. مادر قاسملو زنی آسوری مذهب بود. قاسملو در سال ۱۳۲۴ش، به عضویت سازمان جوانان حزب توده درآمد و در سال ۱۳۲۶ش، برای ادامه تحصیل به تهران رفت و در تبلیغات سازمان جوانان حزب توده، فعالیتش را دنبال کرد. یک سال بعد راهی فرانسه و پس از آن راهی چکسلواکی شد. در چکسلواکی با زنی اهل چکسلواکی به نام هِلِنا (نسرین) که رابط او با کشورهای اروپایی و صهیونیست بود، ازدواج کرد. قاسملو به زبان‌های کردی، ترکی، عربی، انگلیسی و فرانسه تسلط و در مقاله‌نویسی و روزنامه‌نگاری مهارت داشت. او در سال ۱۳۳۱ش به ایران برگشت و در کمیته شماره ۱حزب در تهران مشغول به‌کار شد. بعد از دستگیری صادق صارم وزیری، عضو کمیسیون کمیته ایالتی کردستان شد. در سال ۱۳۳۵ش، دوباره به چکسلواکی و شهر پراگ رفت. پس از انقلاب در عراق، راهی بغداد شد و با سازمان برنامه و بودجه و سازمان امنیت عراق، شروع به همکاری کرد. بعد از مدتی از عراق اخراج شد و به پراگ برگشت و به‌عنوان استادیار در دانشکده اقتصاد شهر پراگ، مشغول به تدریس شد. وی در سال ۱۳۴۳ و بنا به پیشنهاد عبدالله اسحاقی، از عضویت در حزب اخراج شد. پس از آن با همکاری رژیم بعث عراق، طی توطئه‌ای احمد توفیق را کشت و در کنگره سوم حزب در سال ۱۳۵۲ش، خود بر مسند دبیرکلی حزب تکیه زد.

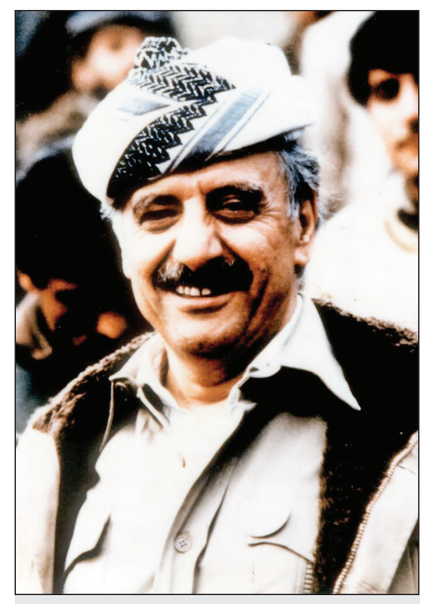

۱۳۵۸، عبدالرحمن قاسملو در دوره حضور در ایران

**سیاست‌های اقتدارگرایانه قاسملو، تنها منجر به جنگ با حکومت مرکزی یا جدایی بخشی از کادر رهبری دمکرات نشد بلکه قاسملو نتوانست وجود کومله در مناطق کردنشین کشور را نیز تحمل کند و به همین دلیل، با آنان نیز اعلام جنگ کرد! از سال ۱۳۶۳ش، جنگ دمکرات و کومله سرتاسری شد و به‌مدت ۵ سال به طول انجامید. در این جنگ بنابه آمار موجود، قریب به ۱۰۰۰جوان کرد قربانی شدند!**

در اسفند ۱۳۵۷، میتینگی از سوی حزب دمکرات کردستان در مهاباد برگزار شد و برای نخستین بار مردم کردستان، با نام عبدالرحمن قاسملو به‌عنوان یک شخصیت مبارز سیاسی آشنا شدند، بدون اینکه خبری از زدوبندهای سیاسی در حزب توده و جنایت‌های وی داشته باشند. از آن پس قاسملو سال‌ها با توطئه و حیله‌گری، بر مسند دبیرکلی حزب باقی ماند و با دیکتاتوری، مشی سوسیال دمکراتیک غربی را به‌عنوان خط‌مشی حزب، در رأس کار خود قرار داد. قاسملو که جمهوری اسلامی را یک حکومت مرتجع و قرون وسطایی می‌دانست، با همسویی با حزب بعث و فرانسه، چند سال جنگی خونین را در کردستان به راه انداخت. طبق گزارش‌های مطبوعات خارجی در اوایل جنگ کردستان، قاسملو طی نامه‌هایی به جیمی کارتر و مارگارت تاچر (نخست‌وزیر انگلیس) و دیگر سیاستمداران غرب، مداخله در کردستان را مطرح کرد. او با قبولاندن این تحلیل که جمهوری اسلامی دشمن اصلی خلق‌ها و خلق کرد است، جلال طالبانی را به سازش با صدام و متقابلاً به جنگ فعال با جمهوری اسلامی کشاند. سیاست‌های عبدالرحمن قاسملو مبنی بر همکاری با رژیم بعث و رفتار اقتدارگرایانه‌ای که در مناسبات درون گروهی داشت، سرانجام موجب شد تا غنی بلوریان و ۶نفر از رهبران دمکرات، از قاسملو جدا شوند. البته سیاست‌های اقتدارگرایانه و تمامیت‌خواهانه عبدالرحمن قاسملو، فقط منجر به جنگ با حکومت مرکزی یا جدایی بخشی از کادر رهبری دمکرات نشد، بلکه قاسملو نتوانست وجود کومله در مناطق کردنشین کشور را نیز تحمل کند و به همین دلیل، با آنان نیز اعلام جنگ کرد. از سال ۱۳۶۳ش، جنگ دمکرات و کومله سرتاسری شد و به‌مدت ۵ سال به طول انجامید. در این جنگ بنابه آمار موجود، قریب به ۱۰۰۰جوان کرد قربانی شدند! قاسملو آنچنان اتحاد خود با صدام حسین را استراتژیک می‌پنداشت که جنایت ضدبشری حمله شیمیایی به شهر حلبچه در کردستان عراق را محکوم نکرد و حتی سعی کرد تا رژیم صدام را از این جنایت مبرا کند. سرانجام وی در تیر ۱۳۶۸، در شهر «وین» مورد سوء قصد قرار گرفت و کشته شد.

۱۴آبان ۱۴۰۱، نمایی از مقر حزب دمکرات در اقلیم کردستان عراق

# جنایت‌هایی که نباید فراموش شود

## نظری بر کارنامه سیاه تجزیه‌طلبان ایران در پگاه انقلاب اسلامی

گزارش | **مریم صادقی‌پری**
روزنامه‌نگار

طی اغتشاشات ۲ماه اخیر، اخبار فراوانی از ایجاد آشوب و درنده‌خویی اعضای دو گروهک تجزیه‌طلب «کومله» و «دمکرات» در رسانه‌ها منتشر شد که تداعی‌گر عملکرد جنایتکارانه این دو گروهک در سالیان ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی است؛ گروهک‌هایی که با حمایت کشورهای معاند همچون اسرائیل، انگلیس و آمریکا، به مقابله با نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران برخاستند و در این راه، از هیچ‌گونه جنایتی علیه مردم مظلوم مناطق کردنشین در سه استان کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی و خادمان آنها از سایر اقوام ایرانی، دریغ نکردند. در این مقال، فرازهایی از اقدامات این جریانات در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی بیان شده است؛ امید آنکه تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی را مفید و مقبول آید.

### آغاز ماجرا

هنوز چند روز از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که نخستین تحرک گروهک موسوم به دمکرات، در ۲۹بهمن ۱۳۵۷ و با حمله به پادگان مهاباد صورت گرفت. گروه‌های فعال در مهاباد با برنامه‌ای ازقبل‌طراحی‌شده، به رهبری عبدالرحمن قاسملو از رهبران حزب دمکرات و با تحریک برخی طرفداران فعال در پادگان، شورشی در پادگان تیپ۳ مهاباد به راه انداختند که منجر به خلع سلاح فرماندهان، مسئولان و پرسنل غیروابسته شد و نهایتا کنترل پادگان، در اختیار این افراد قرار گرفت. در پی این اقدام، تعداد قابل‌توجهی از سلاح‌ها و تجهیزات پادگان، از جمله ۱۳دستگاه تانک، چندین عراده توپ، ده‌ها قبضه خمپاره‌انداز، تیربار و آرپی‌جی‌هفت و صدها قبضه اسلحه سبک، به همراه دیگر انواع مهمات، غارت شد (روزنامه کیهان ۵۷/۱۲/۱). عبدالله مهتدی از سران کومله، تصرف پادگان مهاباد به دست دمکرات‌ها را چنین روایت کرده است: «یکی از نقاط قوت دمکرات‌ها، اشغال پادگان مهاباد بود. هرچند مانیز مراکز کوچکی را گرفتیم اما آنها با استفاده از تجهیزات این پادگان، هزاران پیشمرگه و نیروی مقاومت و مردم را مسلح کرده و بدین‌ترتیب، حزب به نیروی بزرگی در کردستان تبدیل شد...». مهتدی، عبدالله، پنج سال به عبدالله مهتدی، ۵۸

### تحریم رفراندوم

مدتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به پیشنهاد امام خمینی(ره)، قرار شد همه‌پرسی جمهوری اسلامی در ۱۰ و ۱۱فروردین ۱۳۵۸، در سراسر کشور برگزار شود. به دنبال آن، ۶جمعیت و اتحادیه در کردستان ازجمله کومله، با صدور اعلامیه‌هایی اعلام کردند که در رفراندوم شرکت نخواهند کرد (روزنامه کیهان، ۷فروردین ۱۳۵۸). شیخ عزالدین حسینی، امام‌جمعه مهاباد تحت‌تأثیر فرمان کومله، بدون مشورت یا اطلاع حزب دمکرات، نوشته‌ای را منتشر و شرکت در رفراندوم را تحریم کرد!

### جنگ در نقده

در ۳۱فروردین۱۳۵۸ حزب دمکرات به بهانه تشکیل دفتر حزب در شهر نقده، اقدام به برگزاری میتینگ در این شهر کرد. با وجود مخالفت برخی از بزرگان ترک و حتی کرد، گردهمایی سیاسی در ورزشگاه فوتبال این شهر برگزار شد و ضمن دعوت از ریش‌سفیدان و معتمدین هر دو گروه کرد و ترک نقده‌ای، حامیان حزب دمکرات از شهر نقده و دیگر شهرهای اطراف، در آن همایش جمع شدند. این گردهمایی به درگیری بین دو گروه و کشتار مردم بی‌گناه و غارت خانه‌های آنها منجر شد؛ طوری که نیروهای ژاندارمری مجبور به مداخله و جمع‌کردن ماجرا شدند. طی ۳روز درگیری در این شهر، ۵۰نفر شهید، تعدادی مجروح و نزدیک به هزار نفر از اهالی ترک منطقه اعم از زن و مرد، در دسته‌های مختلف، به دست قوای مهاجم، اسیر شدند که بعد از مدت‌ها اسارت به دست نیروهای دمکرات در مخفیگاه‌های این حزب و پس از تحمل شکنجه و سختی‌های فراوان، به شهر خود بازگشتند.

### ناامنی‌ها در محور سرو

سرو در نقطه مرزی ایران و ترکیه و ۴۵کیلومتری شهر ارومیه واقع شده است. مسیر جاده‌ای که از داخل کشور به نقطه مرزی سرو امتداد دارد، بسیار حساس و حیاتی است؛ زیرا عبور و مرور از کشور ترکیه به ایران و برعکس، از این مسیر صورت می‌گیرد. نیروهای حزب دمکرات وابسته به قاسملو و سنار مامدی در منطقه سرو، به طور هماهنگ و مشترک برای حمله به ارومیه، تجدید قوا کردند و مشکلات زیادی را برای مردم منطقه به وجود آوردند. رحمان قضات که در آن مقطع از خلبانان پایگاه هوایی تبریز بود، عملکرد نیروهای این حزب کرد در منطقه سرو را اینگونه روایت می‌کند: «با کمی دقت، مشاهده کردم آنها تعداد زیادی اتوبوس و خودروهای شخصی را در جاده متوقف کرده و با پیاده‌کردن مسافران، مشغول بازرسی و تفتیش لباس و وسایل مسافران، برای غصب پول و زیورآلات آنها هستند. صحنه عجیبی بود! با خودم فکر کردم این افراد که دم از دمکراسی و آزادی برای مردم کردستان می‌زنند، چرا مثل دزدان سرگردنه به جان زن و بچه هموطنان خود افتاده‌اند و مال و اموال آنها را اینطور وحشیانه به یغما می‌برند؟...»

در ۲۶تیر ۱۳۵۸ اطراف ارومیه و پاسگاه مرزی سرو، محل زدوخوردهای جدی بود. ابتدا چند تن از مردم و نیروهای سپاه، شهید و ۵تن از پاسداران نیز به وسیله کردها، گروگان گرفته شدند. این عده، چند روز بعد آزاد شدند اما درگیری‌ها پایان نیافت. زنده‌یاد حجت‌الاسلام‌والمسلمین غلامرضا حسنی که از نزدیک شاهد ماجرا بوده، درباره این درگیری‌ها گفته است: «نیروهای ما را با توپ۱۰۶ و مسلسل‌های سنگین، زیر آتش گرفتند. این توپ‌ها همان سلاح‌هایی بودند که قبلا از پادگان مهاباد به غارت برده بودند. به‌ناچار به دفاع از خود برخاستیم و با تانک و مسلسل به سوی آنان شلیک کردیم. حدود ۲ساعت این درگیری طول کشید...»

### محاصره پاوه

تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پاوه، برای حزب دمکرات، نیرویی بازدارنده بود. آنها می‌خواستند پاوه را تسخیر کنند تا احزاب چپ بر سر تاسر کردستان مسلط شوند. حزب دمکرات به‌تدریج به ناامن‌کردن پاوه و محورهای مواصلاتی این شهر دست زد. در ۱۸مرداد۱۳۵۸ مردم پاوه بعد از تظاهراتی گسترده، در فرمانداری متحصن شدند و از مسئولان خواستند که امنیت شهر را تأمین کنند. حزب دمکرات که وضع را اینگونه دید، دفتر تشکیلاتش را در پاوه به طور موقت تعطیل و مقرش را به قوری‌قلعه در ۲۵کیلومتری پاوه منتقل کرد و در قطعنامه‌ای تشکیل شورای شهرستان پاوه، تصفیه سپاه پاسداران این شهر و اعطای حق خودمختاری کردستان را از اهداف خود برشمرد. آنها در ماه رمضان به طرف پاوه حرکت کردند و با نیروهای انقلابی مدرسه قرآن و نیروهای سپاه و ژاندارمری درگیر شدند.

محاصره پاوه توسط نیروهای ضدانقلاب حزب دمکرات کردستان و سایر گروهای چپ، طی روزهای ۲۳ تا ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ رخ داد. در این نبرد، چند هزار تن از نیروهای شورشی به اسم دفاع از حقوق کرد اما در واقع در خدمت نیروهای بیگانه که سودای تجزیه ایران را در سر داشتند، به شهر پاوه حمله کردند و کوشیدند تا آن را تصرف کنند. در مقابل، چند صد تن نیروهای ژاندارمری و سپاه پاسداران، از شهر دفاع کردند. برای تقویت دفاع شهر، حدود ۸۰نفر از نیروهای سپاه تحت فرماندهی علی‌اصغر وصالی (گروه دستمال‌سرخ‌ها) به مدافعان پیوستند. مهاجمان با بستن راه‌های ورودی، هر جا پاسداری را داخل شهر می‌دیدند، دستگیر می‌کردند و با جداکردن سر از بدن او، سر بریده را در خیابان‌های شهر می‌چرخاندند! در ۲۶مرداد۱۳۵۸ مصادف با آخرین جمعه ماه رمضان یعنی «روز قدس»، درگیری و محاصره با قطع آب، برق و کمبود مهمات و اسلحه شدت گرفت و تمام شهر به جز ساختمان ژاندارمری، به اشغال نیروهای ضدانقلاب درآمد. اعضای حزب دمکرات با اشغال شهر، به تنها بیمارستان پاوه یورش بردند و با همراهی رئیس بیمارستان که از وابستگان حزب دمکرات بود ۲۵پاسدار را که اکثرشان مجروح بودند، به شهادت رساندند. روز بعد ضدانقلاب پاسگاه را محاصره کرد و تا پشت دیوارهای آن جلو آمد. در این میان یک فروند بالگرد به خلبانی محمد نوژه که از کرمانشاه مأموریت داشت به مدافعان محاصره‌شده مهمات برساند، هنگام بازگشت، بر اثر اصابت به کوه منهدم شد و خلبان و همه سرنشینان آن به شهادت رسیدند. سرانجام در ۲۷مرداد۱۳۵۸ با صدور فرمان تاریخی امام مبنی بر لزوم شکست حصر پاوه، مقاومت نیروهای انقلابی مضاعف شد و مردم کرمانشاه و گروهی از نظامیان به فرماندهی سردار سیدعلی‌اکبر مصطفوی، به سمت پاوه حرکت کردند و توانستند با ایثار، بر مهاجمان تجزیه‌طلب پیروز شوند.

### فاجعه زندان دلتو

بمباران زندان دلتو، یکی از فاجعه‌هایی بود که رژیم بغداد، با همکاری حزب دمکرات انجام داد. در اردیبهشت سال ۱۳۶۰ جلیل گادانی، فتاح کاویانی و ایرج سلطانی (یک خلبان فراری)، به نمایندگی از طرف حزب دمکرات با سرهنگ عیار عبدالرضا و رشید صالح (از افسران حزب بعث مستقر در اداره استخبارات کرکوک) ملاقات کردند. در این ملاقات بر سر بمباران زندان دلتو توافق شد؛ در حالی که عده‌ای از نیروهای سپاه، کمیته، ارتش و جهادسازندگی در زندان حزب دمکرات محبوس بودند. بر اساس این توافق، در ۱۷اردیبهشت ۱۳۶۰ زندانیان برخلاف هر روز که به بیگاری برده می‌شدند، در حیاط زندان نگه داشته شدند و نگهبانان زندان نیز از ۵۰نفر به ۱۲نفر کاهش یافتند. حتی افراد مختلف حزب دمکرات، از این زندان به محل‌های دیگری منتقل شدند و بدین‌ترتیب، همه‌چیز آماده بود. صبح آن روز، هواپیماهای عراقی با هدایت حزب، ساختمان زندان را به‌شدت بمباران کردند. طبق گفته بازماندگان فاجعه، نیروهای حزب، نجات‌یافتگان را از ارتفاعات، هدف قرار می‌دادند و در مجموع، ۱۳۰نفر را شهید و مجروح کردند!

۱۳۵۸، پیکر یک پاسدار که به دست عوامل حزب دمکرات به شهادت رسیده است

**تجزیه‌طلبان با بستن راه‌های ورودی شهر پاوه، هر جا پاسداری را داخل شهر می‌دیدند، دستگیر می‌کردند و با جداکردن سر از بدن او، سر بریده را در خیابان‌های شهر می‌چرخاندند! در ۲۶مرداد۱۳۵۸ مصادف با «روز قدس»، درگیری و محاصره با قطع آب، برق و کمبود مهمات و اسلحه شدت گرفت و تمام شهر به جز ساختمان ژاندارمری، به اشغال نیروهای ضدانقلاب درآمد!**

### جنایت و اهانت به قرآن در روستای دولاب

یکی از اقدامات خبیثانه گروهک‌های تجزیه‌طلب در مناطق کردنشین، گرفتن باج و پول به نام «یارمه‌تی» از مردم بود. به این شکل که با حمله به روستاها، از اهالی آنجا باج می‌گرفتند و افرادی را به‌عنوان گروگان با خود می‌بردند تا بتوانند به این باج‌گیری‌ها ادامه دهند! یکی از روستاهایی که مورد هجوم و باج‌گیری حزب کومله قرار گرفت، روستای دولاب ـ منطقه‌ای میان سنندج و کامیاران ـ بود. محمدرحیم حمه‌ویسی، فرمانده وقت پایگاه مقاومت روستای دولاب، جنایات کومله در این روستا را اینگونه روایت می‌کند: «در اوایل پیروزی انقلاب و حتی قبل از آن، گروهک‌های ضدانقلاب ـ چه کومله و چه دمکرات ـ به روستای دولاب رفت‌وآمد داشتند. این گروهک‌ها اکثرا به‌زور از مردم روستا، پول و آذوقه می‌گرفتند؛ مردمی که خود در فقر و نداری زندگی می‌کردند اما مجبور بودند برای اینکه مورد آزار و اذیت این گروهک‌ها قرار نگیرند، هرچه در دست‌وبال دارند، به آنها بدهند. تجزیه‌طلبان حتی در مواردی به خانه مخالفان خود حمله می‌کردند و آنها را به اسارت می‌گرفتند. خود بنده حدود ۷ماه و ۲۰روز، در اسارت این گروهک‌ها بودم و انواع شکنجه‌های روحی و روانی را می‌دادند اما پدرم با پرداخت مبلغ زیادی پول به آنها، توانست من را آزاد کند... در اسفندماه سال ۵۹اعضای کومله وارد روستا شدند و در آن زمان، ۲۸۷هزار تومان با عنوان «یارمه‌تی» یا کمکی، از مردم روستا جمع‌آوری کردند و در نهایت اقدام به مصادره کامل تکیه دولاب کردند و قرآن‌های موجود در آنجا را از بالای پشت‌بام به داخل گل و خاک پرت کردند؛ تکیه‌ای که در اعتقاد مردم روستا بلکه اکثر مردم منطقه، جایگاه والایی داشت. مردم روستای دولاب از این حرکت کومله‌ها، بسیار ناراحت و عصبانی شدند و دیگر تحمل این همه جور، ظلم و ستم آنها را نداشتند؛ لذا به اتفاق تعدادی از جوانان روستا، در مسجد، دور هم جمع شدیم، وضو گرفتیم و دست روی قرآن گذاشتیم و قسم خوردیم که در دفاع از روستا و ایستادگی در مقابل ظالم و مشی ضددینی این گروهک‌ها، با هم هم‌پیمان و مسلح شویم...»

با پناه‌بردن این جوانان به پیشمرگان مسلمان در روستای نشور و کمک‌گیری از سپاهیان پاسدار، آنان مسلح شده و مشغول فراگیری آموزش نظامی می‌شوند که نفوذی‌های کومله خبر این اقدام آنها را به رؤسای کرد می‌دهند و به این شکل، با حمله کومله به این مجاهدان پیشمرگ مسلمان، درگیری آغاز می‌شود. ابتدا اهالی روستا از زن و مرد، به دفاع از روستا می‌پردازند و سپس با کمک پیشمرگان مسلمان، نیروهای کومله شکست می‌خورند. در جریان این مجاهدت اهالی روستا و پیشمرگان، ۱۸نفر از اهالی و ۲نفر بسیجی به شهادت می‌رسند.

### کلام آخر

قدرت‌طلبی، خونریزی و جنایت‌های سبعانه، ازجمله ویژگی‌های گروه‌های تجزیه‌طلب از ابتدای پیروزی انقلاب در ایران بوده است اما به دلیل کمتر بیان‌شدن آن جنایت‌ها به زبان هنر (فیلم و سریال)، بسیاری از مردم به آن واقف نیستند و لازم است که برای آگاهی عموم مردم از عملکرد جنایت‌بار گروه‌های تجزیه‌طلب کرد علیه مردمان مناطق کردنشین و نیروهای رزمنده، فیلم‌ها و سریال‌های متعددی ساخته و پخش شود.

---

تاریخ اسلام

## زندگانی امام حسن مجتبی(ع)

کتاب «زندگانی امام حسن مجتبی(ع)» اثر آیت‌الله سیدهاشم رسولی محلاتی، در ۱۲فصل تنظیم و از سوی مؤسسه بوستان کتاب منتشر شده است. فصل اول به ولادت امام‌حسن(ع) اختصاص یافته و با توضیحاتی درخصوص ولادت و مراسم نامگذاری، به انجام مراسم دینی و سنت‌های مذهبی و کنیه و القاب آن حضرت می‌پردازد. نویسنده در فصل دوم، به زندگی آن حضرت در زمان رسول خدا(ص) پرداخته و ذکاوت و استعداد فوق‌العاده امام(ع) را مورد تأکید قرار داده است. سومین فصل به «شمه‌ای از فضایل حسنین(ع) در دوران کودکی و نوجوانی» اشاره کرده و فصل بعدی این اثر به زندگانی آن حضرت پس از رحلت رسول خدا(ص) تا پایان خلافت عثمان می‌پردازد. «زندگانی آن حضرت در زمان حکومت امام علی(ع)» عنوان پنجمین فصل از کتاب است و ششمین فصل کتاب درباره «دوران امامت تا صلح معاویه» است. فصل بعدی به «ماجرای صلح و علل کناره‌گیری امام از حکومت» می‌پردازد و در فصل هشتم به «مخالفان پیمان صلح» می‌پردازد که از جمله مباحث این فصل می‌توان به سفر امام‌حسن(ع) به شام و برخورد با معاویه، منطق تبهکاران درباره معیار خوبی و بدی، توطئه معاویه برای اهانت به امام(ع) پرداخت. «شمه‌ای از فضایل و مکارم اخلاق آن حضرت» عنوان فصل بعدی این اثر است و در دهمین فصل «سخنانی حکمت‌آمیز از امام‌حسن(ع)» تشریح شده و همچنین یازدهمین فصل از کتاب حاضر به شهادت امام حسن(ع) اختصاص یافته که ماجرای غم‌انگیز شهادت امام(ع) را تشریح کرده و دوازدهمین و آخرین فصل کتاب به «زنان و فرزندان امام‌حسن(ع)» می‌پردازد.

---

تاریخ دفاع‌مقدس

## هویت پنهان

جلد پنجاه و دوم از مجموعه کتاب‌های «تقویم تاریخ دفاع‌مقدس» با عنوان «هویت پنهان» از سوی مؤسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ و منتشر شده است. این اثر به قلم امیر سرتیپ ۲ستاد نبی کریمی به بررسی رخدادهای آذرماه ۱۳۶۳می‌پردازد. از رویدادهای مهم این ماه که در کتاب «هویت پنهان» به‌طور مفصل مورد بررسی قرار گرفته، برقراری روابط آشکار رژیم بعث عراق با آمریکا بود. عراق بعد از جنگ اعراب با رژیم اشغالگر قدس در سال ۱۹۶۷ میلادی رابطه خود را با آمریکا قطع کرد اما قبل از تجاوز بعثیان به خاک ایران، این رابطه احیا و به شکل محرمانه برقرار شد تا اینکه در آذر ۶۳پرده از این ارتباط برداشته شد. در سوم آذر، معاون رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه عراق به آمریکا رفت و در کاخ سفید با ریگان دیدار کرد و همزمان سفارتخانه‌های ۲کشور در واشنگتن و بغداد فعالیت خود را شروع کردند که در این کتاب درباره این روابط صحبت شده است. در این کتاب می‌خوانیم: «در آذرماه۱۳۶۳ آمریکا و رژیم صدام عقلقی روابط آشکار خود را برقرار کردند و صدام از کمک‌های نظامی و حمایت‌های سیاسی آمریکا و سازمان‌های جهانی برخوردار شد و پرده از روابط پنهان آمریکا و صدام علیه ایران برافتاد.» در این ماه، رزمندگان ایرانی در جبهه‌های غرب با ضدانقلاب درگیر بودند و از طرف دیگر در جبهه‌های جنوب و غرب هم با ارتش عراق مبارزه می‌کردند.

---

تاریخ معاصر

## سازمان مجاهدین خلق پیدایی تا فرجام



کتاب سه‌جلدی «سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام» نخستین تحقیق جامع، مستند و تحلیلی درباره تاریخچه ۴۰ ساله سازمان مجاهدین خلق و حاصل ۵سال تلاش گروهی از پژوهشگران تاریخ معاصر و علوم سیاسی در مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی است. بسیاری از اسناد و تصاویر این کتاب برای نخستین بار ارائه و منتشر شده است. جلد اول آن، دوره زمانی سال‌های ۴۴ تا ۵۴ و مشتمل بر وقایع تأسیس، گسترش تشکیلاتی و تغییر رسمی ایدئولوژی به مارکسیسم است. جلد دوم، سال‌های ۵۴ تا ۶۴ را شامل می‌شود که وقایع پس از تغییر ایدئولوژی و نیز تحولات سازمان را در طول انقلاب اسلامی اعم از ایجاد درگیری، زمینه‌سازی حرکت‌های مسلحانه و ترورهای کور یا هدفمند تشریح می‌کند. جلد سوم، مقطع زمانی سال‌های ۶۴ تا ۸۴ و در بردارنده مسائل سازمان در خارج کشور و همچنین استقرار در عراق و همکاری با رژیم صدام در دوره جنگ تحمیلی و نهایتاً نابودی تشکیلاتی پس از سقوط رژیم بعث است. همه اعلامیه‌ها و نشریات منتشر شده سازمان در داخل و خارج کشور و نیز انتشارات سایر گروه‌ها و احزاب در این کتاب مورد بررسی و استناد قرار گرفته و مشتمل بر گفت‌وگوهای اختصاصی با گروهی از اعضای سابق سازمان و صاحب‌نظران تاریخ سیاسی چند دهه اخیر ایران است. کتاب سه‌جلدی «سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام» که به کوشش جمعی از پژوهشگران تاریخ معاصر و علوم سیاسی در مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی فراهم آمده، از سوی انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی چاپ و منتشر شده است.